

ماهنامه تولید مثل و نازایی، پژوهشکده ابن سینا، سال پنجم، بهمن، ص ۴-۵، ۱۳۸۱

سخنرانی در هشتاد و دومین ژورنال کلاب پژوهشکده ابن سینا، ۲۳ دی ماه ۱۳۸۱

تأملاتی پیرامون مفهوم فقهی و حقوقی "مادر"

در گزاره های دینی، اشکال و ابهام همواره از ندانستن حکم شرعی ناشی نمی شود. گاهی حکم شرع روشن است، اما ابهام در ناحیه موضوع است؛ مانند این که می دانیم فرزند از مادرش ارث می برد، اما در تشخیص مادر او دچار تردید می شویم. شبهات موضوعی همواره از نوع ساده آن نیست؛ مانند زمانی که مادر نسبی طفلی مردد میان دو زن است؛ پاره ای از موضوعات احکام از امور عرفی است که مفهوم ثابت و ایستایی ندارد، بلکه همپای تحولات گوناگون زندگی بشری دچار تغییر و دگرگونی می شود. این تغییر و تحول، فقیه را در صدق موضوع یا در انطباق حکم بر آن دچار تردید می نماید. البته سرعت و شتاب تغییر در موضوعات مختلف یکسان نیست؛ پاره ای از موضوعات از نوع امور اعتباری محض اند که به آسانی دچار تغییر می شوند و عرف هم در سرایت حکم کلی به آن ها دچار تردید جدی نمی شود. بر عکس، پاره ای از موضوعات ریشه در امور تکوینی دارند و به کندی پذیرای تغییر می شوند. از سوی دیگر، پاره ای از موضوعات از نوع کلیات مشکک است. کلی مشکک می تواند مصادیق متعددی داشته باشد که انطباق حکم بر آن ها یکسان نباشد.

در مورد "مادر"، پذیرش مادر رضاعی در متون دینی که تنها برخی از احکام مادر نسبی را دارد، نه تنها بر امکان که بر وقوع تشکیک در آن گواهی می دهد. به هر رو "مادر" از جمله موضوعاتی است که پیشرفت های شگرف بیوتکنولوژی بر برخی از مصادیق نوپیدای آن سایه ابهام افکنده است. برای نمونه در موردی که یک زن صاحب تخمک (Gamete) است و زن دیگری، جنین ناشی از آن تخمک را در رحم خویش پرورش می دهد (surrogacy) نیز در مورد طفل حاصل از عملیات شبیه سازی (cloning) که طی آن از طریق ترکیب سلول تخمک زن با سلول دیگری از همان زن (پس از پاره ای تغییرات) انسانی شبیه به صاحب تخمک متولد می شود.

برای تعیین حکم این گونه موارد پس از پذیرش این که "مادر" از موضوعات شرعی نیست که تعریف مشخصی از آن در متون دینی ذکر شده باشد، باید عناصر مقوم مادر را شناسایی کرد و امکان تغییر و تحول آن عناصر را مورد بررسی قرار داد. در عالم تصور، عناصر زیر را می توان مقوم مفهوم مادری دانست:

۱. اصل بودن به لحاظ اولین سلول تشکیل دهنده طفل؛ پس همین قدر که تخمکی که فرزند از او متولد شده، به زنی مربوط باشد، مادر او است.
۲. زاییدن و وضع حمل کردن؛ پس مادر کسی است که طفل را به دنیا می آورد.
۳. وجود نوعی رابطه اصل و فرعی میان زن و طفل، هر چند از نوع بند یکم نباشد؛ پس همین قدر که بخشی از اجزای بدن طفل از بدن زنی باشد، مادر وی خواهد بود.
۴. احساس مادری؛ پس مادر کسی است که احساس و عاطفه مادری نسبت به فرزند داشته باشد.
۵. قرارداد و توافق؛ پس مادر کسی است که بر پایه قرارداد معتبری میان دو فرد واجد صلاحیت (مثلاً اهدا کننده تخمک و دریافت کننده تخمک) مادر شناخته شود.
۶. حکم قانون؛ بر این پایه، مادر کسی است که قانونگذار با توجه به رعایت مجموع مصالح به ویژه مصلحت طفل، وی را مادر می داند.

تا آن جا که از متون دینی استفاده می شود، عامل اول یعنی این که سلول تشکیل دهنده طفلی از تخمک یک زن باشد اجمالاً برای صدق مادری کافی است؛ اما حکم همه فروض این مسأله، روشن نیست؛ برای نمونه اگر فرض شود بتوان با عملیات جراحی و بدون رضایت و آگاهی زن، تخمک وی را از رحم وی بیرون آورد و در خارج از رحم تلقیح نمود آیا همین اندازه برای صدق مادری کافی است، هر چند صاحب تخمک احساس بیگانگی با طفل داشته باشد؟ به دشواری می توان به این پرسش، پاسخ مثبت داد.

زاییدن و وضع حمل کردن به تنهایی نمی تواند موجب صدق مادری باشد؛ پس اگر فرض شود طفلی از تخمک زن و اسپرم مردی تولد یافته باشد و در رحم صاحب تخمک رشد و نمو کرده باشد و تنها چند ساعت پیش از تولد به رحم زن دیگری منتقل شود، نمی توان صرفاً با استناد به این که آن زن وی را زاییده است، مادر دانست، هر چند تاکنون چنین فرضی تحقق خارجی پیدا نکرده است.

برعکس، رابطه اصل و فرعی میان زن و فرزند یکی از عوامل تحقق مادری است؛ پس هر گاه زنی در تکوین اجزای بدن طفلی نقش داشته باشد، برای صدق مادری کافی است؛ به ویژه در مواردی که زن احساس مادری نیز نسبت به طفل دارد. ادله باب رضاع و محارم رضاعی، گواه این مطلب است.

در مورد احساس مادری، درست است که احساس مادری یا عدم مادری به تنهایی در اثبات و نفی رابطه مادری تأثیری ندارد؛ اما از برخی روایات باب رضاع چنین بر می آید که برای تحقق این رابطه، نوعی احساس مادری نیز باید میان فرزند و زنی که طفل از وی شیر نوشیده وجود داشته باشد. در هر حال، وجود چنین روایاتی، مسأله را در خور درنگ و تأمل می سازد، تا حتی در فرض پیشین نیز نتوانیم در همه موارد صرفاً با استناد به این که بخشی از اندام طفل از بدن زنی تکوین یافته باشد، وی را مادر طفل به شمار آوریم.

در مورد قرارداد و توافق، با استناد به وحدت ملاک نفی پدرخواندگی در آموزه های دینی می توان گفت قرارداد به تنهایی نمی تواند رابطه مادری را با طفل پدید آورد، چنان که حکم قانون به مادر بودن نیز به خودی خود، موجب تحقق رابطه مادری به معنای شرعی آن نیست. هر چند پاره ای از حقوق و تکالیف مادری در شرایط خاصی قابل اسقاط و واگذاری است